

کاربرد روش چشم‌انداز در مطالعات سیاسی

تاریخ دریافت: 90/6/12 تاریخ تأیید: 90/7/22

دکتر غلامرضا بهروز لک *

دکتر محمود علیپور گرچی **

چشم‌انداز یکی از روش‌های آینده‌پژوهی است که به دنبال پاسخ به این پرسش است که «آینده باید چگونه باشد». این روش در صدد ارائه تصویری مطلوب در یک افق زمانی بلند مدت می‌باشد و هرگز از وضع موجود حادث نمی‌شود، بلکه از منابع، اسناد بالادستی، ارزش‌های اساسی و اهداف بنیادین به دست می‌آید. این گونه ارائه تصویر که به «پس‌بینی» شهرت دارد، یک برنامه‌ریزی از آینده به حال است؛ نه یک شیوه از حال به آینده. از آنجا که جامعه آرمانی به سادگی و در افق زمانی نزدیک تحقق‌پذیر نیست و جامعه در عمل مجبور است نسخه نازل‌تری از آن را عملی قرار دهد؛ این نسخه نازل‌تر با عنوان چشم‌انداز هنجاری تحقق می‌یابد. بر این اساس، پژوهش حاضر تلاشی است برای دست‌یابی به مدل و الگویی از چشم‌انداز که قابلیت تحلیل تصویر مطلوب در مطالعات سیاسی را دارا باشد. پس از تعریف چشم‌انداز و ضرورت ارائه آن به مثابه یک روش، به اختلافات مطرح شده در تدوین چشم‌انداز (شامل تحلیل وضع موجود، وصل آینده به حال و فرایند تدوین) پرداخته شده است. آنچه در ادامه مورد مذاقه قرار گرفته، فرایند چهارگانه در تدوین چشم‌انداز مطالعات سیاسی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: چشم‌انداز، آینده‌پژوهی هنجاری، روند، رویداد، آماج، آینده تصویر شده و اقدام.



آینده‌پژوهی در ابتدای سده بیستم در اندیشه‌های دانشمندانی چون والز و اکبرن مطرح شد؛ به گونه‌ای که در دهه 1940 میلادی نخستین پروژه آینده‌پژوهی به شکلی موفقیت‌آمیزی انجام شد. اما دانش آینده‌پژوهی به شکل امروزی آن، پس از پایان جنگ جهانی دوم در اندیشه‌گاه رند شکل گرفت. در این اندیشه‌گاه، این دانش به یک رشته علمی و دانشگاهی مبدل گشت. آینده‌پژوهی، تلاشی نظام‌مند و علمی از آینده و سیاست‌گذاری پیش‌نگر است که به دنبال آن است؛ به چه شکلی از فرصت استفاده کنیم و برای آینده به کار گیریم.¹ در آینده‌پژوهی، روش‌های مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد که عمدتاً در ترسیم سیاست‌گذاری‌های بلند مدت نظام سیاسی از روش چشم‌انداز استفاده می‌شود. پژوهش حاضر، کاربرد روش چشم‌انداز در مطالعات سیاسی را مورد بررسی و مذاقه قرار می‌دهد؛ و در صدد ارائه الگویی روش‌مند برای چشم‌انداز مطالعات سیاسی است. پژوهش را با این پرسش اصلی آغاز می‌کنیم که: چگونه می‌توان از الگوی چشم‌انداز در تحلیل مطالعات سیاسی استفاده نمود؟ برای پاسخ به سؤال اصلی، لازم است درک درستی از تعریف چشم‌انداز، پیش‌نیازها و الگوی چشم‌انداز که به صورت سؤالات فرعی مطرح می‌شود، داشته باشیم: معنای لغوی و اصطلاحی چشم‌انداز چیست؟ ضرورت، استلزامات، پیش‌نیازها / کاربرد الگوی چشم‌انداز در تحلیل مطالعات سیاسی چیست؟ چه قرائت‌هایی از الگوی چشم‌انداز وجود دارد و الگوی مناسب برای تحلیل مطالعات سیاسی کدام است؟ فرآیند تدوین چشم‌انداز در مطالعات سیاسی چگونه است؟

تعریف چشم‌انداز

نکته‌ای در معنای لغوی چشم‌انداز وجود دارد که ما را به معنای اصطلاحی چشم‌انداز رهنمون می‌سازد. واژه ویژن¹ یا چشم‌انداز در فرهنگ آکسفورد این گونه معنا شده است:² «فضایی که آن را از موقعیتی خاص می‌توان دید، ایده یا تصویری در ذهن، رؤیا یا تجربه‌ای این چینی، به خصوص از نوع مذهبی، توانایی تفکر درباره برنامه‌ای در آینده». از مجموع این معانی می‌توان چنین نتیجه گرفت که در اصطلاح لغوی، یکی از عناصر اصلی چشم‌انداز «تصویری از آینده» است. در ادبیات آینده‌پژوهی نیز طیف وسیعی از تعاریف درباره چشم‌انداز وجود دارد که بر «تصویری از آینده» تأکید دارد: -چشم‌انداز، یک تصویر ذهنی است که به وسیله قدرت تصور و البته به صورت غیر

i. Vision.

خیالی تهیه می‌شود.^۳

- تصویری از آینده‌ای مطلوب و پاسخی به این پرسش که «ما می‌خواهیم چه چیزی بیافرینیم؟ در این تعریف، بر خلاف رویکرد سنتی، چشم‌انداز، آینده‌ای نیست که باید پیش بینی شود، بلکه فردایی است که باید خلق شود.^۴

آنچه که در این تعاریف بر آن پای فشرده می‌شود، آن است که چشم‌انداز، توانایی نگرستن به فراتر از واقعیت موجود، خلق و ابداع آنچه که اکنون وجود ندارد، تبدیل شدن به آنچه که اکنون نیست، توانایی زندگی در آرمان است. بنابراین، چشم‌انداز عبارت است از تصویری مثبت از آینده مطلوب، تصویری از اینکه آینده باید چگونه باشد.^۵ و چشم‌انداز در مطالعات سیاسی عبارت است از تصویر مطلوب و آرمان دست یافتنی از مفاهیم سیاسی در یک افق زمانی معین بلند مدت، که متناسب با ارزش‌های اساسی و اهداف بنیادین^۶ تعیین می‌گردد.

2. روش چشم‌انداز؛ یک رویکرد هنجاری در آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی برای مطالعه آینده از سه رویکرد اکتشافی، هنجاری و تصویرپرداز بهره می‌گیرد. پرسش این است که روش چشم‌انداز در مطالعات سیاسی با کدام یک سازگار است؟ برای پاسخ، رویکردهای سه گانه را بررسی می‌کنیم.

1. رویکرد تصویرپردازی: رویکرد تصویرپرداز با پرسش «آینده بهتر است چگونه باشد»، پژوهش را آغاز می‌کند.^۷ چشم‌اندازهای تخیلی (بر پایه آینده‌پژوهی تصویرپرداز) در کشور ما آن قدر نحیف است که ما اغلب به مصرف رمان‌ها و فیلم‌های علمی / تخیلی غربی تبدیل شده‌ایم. واضح است که در جامعه‌ای چون ایران که به آرمان شهر اسلامی التزام عملی و زبانی دارد، حتی چشم‌اندازهای مخیالانه نیز باید با الهام از آرمان شهر اسلامی طراحی شوند. آینده‌پژوهی تصویرپرداز نقش پیشران خلق آینده را از طریق خلق ایده‌های جدید و الهام بخش دارد که الگوی آرمانی و آرمان شهر را به تصویر می‌کشد.^۸ بنابراین، یکی از وظایف مهم روش چشم‌انداز در آینده‌پژوهی، ترسیم الگوی تصویرپرداز از منظر باورها و ارزش‌های بنیادین است؛ در نتیجه، رویکرد تصویرپرداز یا تخیلی در روش چشم‌انداز به کار می‌رود. اما با توجه به اینکه چشم‌انداز با رویکرد تصویرپرداز به مثابه یک روش ارائه نشده است؛ بر این اساس در این پژوهش از رویکرد تصویرپرداز یا تخیلی اجتناب می‌گردد.

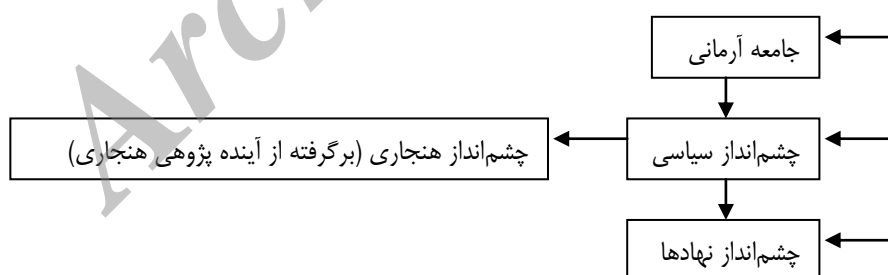
2. رویکرد تحلیلی؛ آینده‌پژوهی اکتشافی: رویکرد اکتشافی، در پی کشف آینده‌اند. این رویکرد از



زمان حال شروع شده و رو به سوی آینده دارد و به اصطلاح رو به بیرونند^۱ و تلاش می‌کند که تحت تحت شرایط مختلف، کشف کند که کدام آینده رخ می‌دهد.^۲ این رویکرد با پرسش اینکه «آینده می‌تواند چگونه باشد»، «چه آینده‌هایی را می‌توان ساخت» روبه‌روست؛ این رویکرد عمدتاً در روش سناریونویسی استفاده می‌شود، نه روش چشم‌انداز.^۳

3. رویکرد هنجاری؛ آینده‌پژوهی تجویزی: رویکرد هنجاری از یک موقعیت مطلوب در آینده شروع کرده، به زمان حال می‌رسد و چگونگی تحقق آن موقعیت مطلوب در آینده را بررسی می‌کند؛ و به اصطلاح رو به درونند.^۴ این رویکرد با پرسش‌هایی چون «آینده باید چگونه باشد» و «چه آینده‌ای را باید ساخت» به پژوهش می‌پردازد. در این رویکرد، آینده جایی نیست که به آنجا می‌رویم، بلکه جایی است که آن را به وجود می‌آوریم. بنابراین، رویکرد، راه‌هایی که به آینده ختم می‌شوند، یافتنی نیستند، بلکه ساختنی‌اند.

وظیفه عملی رویکرد هنجاری، طراحی آینده بایسته به گونه‌ای باورپذیر و مقذور در یک افق زمانی مشخص است. از آنجا که جامعه آرمانی سادگی و در افق زمانی نزدیک قابل تحقق نیست و جامعه در عمل مجبور است نسخه نازل تری از آن را عملی قرار دهد، این نسخه نازل تر با عنوان آینده‌پژوهی هنجاری تحقق می‌یابد. بنابراین، در چشم‌انداز باید آینده‌های عملیاتی را مثل چشم‌انداز بیست ساله، هنجاری تعریف نماییم و به تمام بخش‌های جامعه آموزش می‌دهیم که در راستای چشم‌انداز برنامه‌ریزی نمایند.^۵ بر این اساس، چشم‌انداز به مثابه روش، با رویکرد هنجاری به پژوهش می‌پردازد؛ و در پژوهش حاضر، روشی است که بیان می‌کند کجا باید برویم (آینده‌پژوهی هنجاری) و چه آینده هنجاری در مطالعات سیاسی باید ساخته شود.



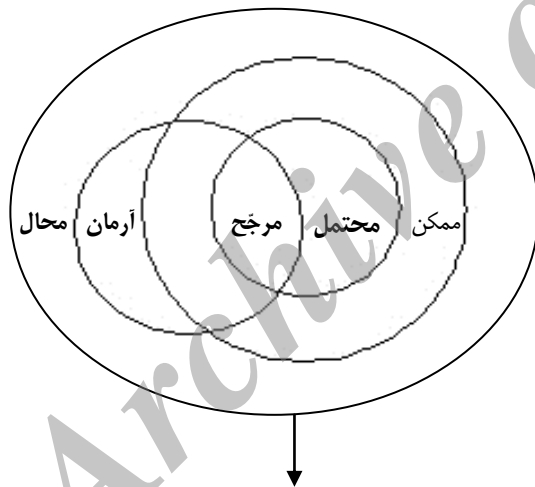
شکل شماره 1. سلسله مراتب چشم‌اندازها در آینده‌پژوهی

- i. Outward bound.
- ii. Inward bound.

3. روش چشم انداز و آینده ممکن، محتمل و مرجح

در ترسیم چشم انداز مطالعات سیاسی باید آینده مرجح از آینده ممکن و محتمل تفکیک شود. از این رو توجه به این نکته ضروری است که آینده به صورت‌های متفاوتی قابل تصور است: آینده ممکن،ⁱ آینده محتمل،ⁱⁱ آینده مرجح،ⁱⁱⁱ آینده آرمانی و آینده محال.

- آینده ممکن، آینده‌ای است که محال ذاتی نیست، بلکه امکان پذیر است.
- آینده محتمل، آینده‌ای است که در میان آینده‌های ممکن، احتمال وقوع بیشتری دارند.
- آینده مرجح، آینده‌ای است که می‌خواهیم باشد و باید بر پا شود.^{۱۳}
- آینده آرمانی، آینده مرجحی است که صرف آرزو و آرمان می‌باشد، ولی این آرزو محال نیست.
- آینده محال؛ آینده‌ای است که خارج از دایره امکان، احتمال و آرمان می‌باشد؛ و امکان رخداد آن وجود ندارد.



شکل شماره 2. چشم انداز به مثابه روش در مطالعات سیاسی

چشم انداز به مثابه روش، از یک موقعیت مطلوب در آینده شروع کرده، به زمان حال می‌رسد. از این رو، هیچ تناسبی با ترسیم آینده‌های ممکن، محتمل و محال ندارد؛ و به



دنبال آینده مرجح است؛ یعنی آینده‌ای که می‌خواهیم باشد. بر این اساس، پژوهش‌هایی که با نام «چشم‌انداز روابط خارجی ایران و آمریکا و...» مطرح می‌شود و به دنبال تحلیل آینده‌های ممکن است، نوعی روش سناریونویسی است که با روش چشم‌انداز، سازگاری ندارد. سناریوها، تصویرهایی از آینده محتمل هستند.^{۱۴} تایدا مدلی آزمون پس داده در طراحی سناریو است که پنج مرحله برای طراحی سناریو ارائه می‌دهد: پی‌گیری، تحلیل، تجسم، تصمیم‌گیری و اقدام. در مرحله تجسم، پس از جمع‌آوری دیدگاه‌هایی در مورد آینده‌های محتمل، به تصاویری از آنچه مطلوب است؛ یعنی چشم‌انداز می‌پردازد.^{۱۵} بنابراین، حتی در مدل سناریوسازی که روش چشم‌انداز مورد استفاده قرار می‌گیرد، از چشم‌انداز به تصویر مطلوب تعبیر می‌شود؛ نه آینده محتمل.

سناریوها	چشم‌اندازها
آینده محتمل و ممکن	آینده مطلوب
مبتنی بر عدم قطعیت	ارزش - پایه
نشان دادن ریسک‌ها	پنهان کردن ریسک

جدول شماره 1. فرق چشم‌انداز و سناریو^{۱۶}

پیش از پرداختن به فرایند تدوین چشم‌انداز در مطالعات سیاسی، بررسی ضرورت‌ها، پیش‌فرض‌ها، استلزامات و آینده‌ها در چشم‌انداز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است:

الف. ضرورت تدوین چشم‌انداز در مطالعات سیاسی (با مصداق کاربردی در جمهوری اسلامی ایران)

پیش از ارائه مراحل فرایند تدوین چشم‌انداز در مطالعات سیاسی، با این پرسش روبه‌رو هستیم که چرا چشم‌انداز برای یک نظام سیاسی ضرورت دارد؟ در پاسخ باید گفت با توجه به فقدان هماهنگی میان نخبگان سیاسی، فقدان حس مشترک و سردرگمی پیرامون اهداف، نارضایتی از دستاوردها و روندهای موجود، فراهم شدن مبنایی برای مشارکت همگانی، زمینه‌سازی برای رسیدن به وضع مطلوب در مفاهیم سیاسی، آمادگی برای شرایط حاکم بر آینده و شناخت فرصت‌های پیش رو، ترسیم چشم‌انداز ضرورت دارد. در جمهوری اسلامی ایران، روش چشم‌انداز در مطالعات سیاسی به عنوان مصداق

کاربردی، بدین سبب ضرورت دارد که از سال 1378 در دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام برای هم‌جهت‌سازی سیاست‌های کلی، ضرورت ترسیم و تبیین یک افق روشن در آینده ایران مشخص شد. و لذا تا مدت‌ها مطالعات و مباحث تحت عنوان «افق آینده ایران اسلامی» ادامه یافت. در سال 1380 مفهوم «چشم‌انداز» به جای «افق آینده» مورد تأکید قرار گرفت. و در سال 1382 پس از اصلاحاتی که مقام معظم رهبری در مصوبات مجمع درباره چشم‌انداز انجام دادند، به تصویب نهایی رسید و در تاریخ 82/8/23 به قوای سه‌گانه ابلاغ شد. مقام معظم رهبری در سخنانی فرمودند: «سیاست‌ها و برنامه باید به چشم‌اندازی متوجه باشد... این چشم‌انداز، توقع ما را از کشور در ده سال آینده مشخص خواهد کرد... بنابراین، شاخص‌های در زمینه چشم‌انداز و سیاست‌های کلی باید در ذهن‌ها باشد».^{۱۷}

با توجه به روندهای گفتمانی پس از انقلاب، شاهد شکل‌گیری خرده‌روندهایی به نام «راست» و «چپ» هستیم که با فروپاشی انسجام روند گفتمانی اسلام سیاسی فقاهتی ایجاد گردید. هر یک از خرده‌روندها، ایده‌های متفاوتی در مفاهیم سیاسی چون حکومت، آزادی و... ارائه داشته‌اند. از این رو برای دستیابی به وضعیت مطلوب مفاهیم سیاسی، ناچاریم از روش چشم‌انداز استفاده کنیم که مصداقی از روایت امام علی علیه السلام است: من استقبل الأمور أبصر، من استدبر الأمور تحیر.^{۱۸} چشم‌اندازهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران در هر سطحی که باشد - دولت، نهادهای سیاسی و گفتمان‌ها - باید برگرفته از چشم‌انداز به عنوان وضع مطلوب باشد. علاوه بر همه اینها، چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران از دو منظر ضرورت دارد: نخست آنکه وضعیت مطلوب در منابع جمهوری اسلامی ایران را معماری نمائیم؛ و دوم از منظر دینی است که بر پایه آن وضعیت مطلوب را با نگاه ارزش‌های اسلامی ارائه نماییم.^{۱۹} که به تعبیر رابرت مایلز، تمامی تحولات موفقیت‌آمیز از طریق خلق یک چشم‌انداز پدید آمده‌اند.

ب. پیش‌فرض‌های روش چشم‌انداز در مطالعات سیاسی (با رویکرد اسلامی)

روش چشم‌انداز در مطالعات سیاسی آینده‌پژوهی بر فرضیاتی استوار است که با وظایف انسان در تدوین چشم‌انداز همخوانی دارد:

1. انسان، اسیر جبر تاریخ نیست. و می‌تواند بر آینده و سرنوشت خود تأثیرگذار باشد.

69 ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم)^{۲۰} از این رو آینده پیشاپیش و به صورت



جبری و غیر قابل اجتناب بر انسان‌ها تحمیل نشده است و انسان می‌تواند در تدوین چشم‌انداز در آینده خود تأثیرگذار باشد.^{۲۱}

2. جهان‌بینی محوری که شامل ارزش‌های اساسی و اهداف بنیادین در آینده تصویر شده چشم‌انداز می‌شود، بر مبانی و ارزش‌های اسلام شیعی مبتنی است.

3. وحدت هستی: دیدگاه سنتی بر آن بود که انسان، جزیره مستقل و پرت افتاده‌ای در اقیانوس هستی است؛ اما در روش چشم‌انداز جهان هستی یکپارچه‌ای است که معتقد است:

3-1. شناخت هر موجودی با توجه به جایگاه در کل هستی، امکان‌پذیر است. تک‌تک انسان‌ها و مدار عملکرد کل کیهان است و نمی‌تواند از آن جدا باشد.

3-2. عدم امکان در درک کامل هر موجودی و رفتار او، بدون توجه به جایگاه آن در کل هستی.

بنابراین، در روش چشم‌انداز در پیمایش محیطی، پیش‌ران‌ها و محرک‌ها باید انسان را با توجه به کل هستی در نظر گرفت. در این روش، انسان موجودی اجتماعی و تأثیرگذار و تأثیرپذیر است.

4. اهمیت حیاتی زمان: اکثر مردم کاملاً در باتلاق مسائل روزمره گرفتارند و از نظر آن‌ها اندیشیدن به پیشامدهای احتمالی کار بی‌هوده است. این در حالی است که باید توجه داشت مشکلات امروز، خلق الساعه پدید نیامده‌اند. اگر به این مشکلات زودتر پرداخته می‌شد، راحت‌تر حل می‌شدند. اکثر مردم معمولاً تغییرات تدریجی را درک نمی‌کنند و وقتی مشکلی به بحران تبدیل می‌شود، توجه همه را به خود جلب می‌کند. روش چشم‌انداز بر اهمیت زمان تأکید دارد؛ و اینکه از اکنون برای آینده برنامه‌ریزی صورت گیرد.

5. اهمیت ایده‌ها به ویژه ایده‌های مربوط به تصویرهای آینده: از آنجا که در روش چشم‌انداز، آینده وجود ندارد و باید آن را ابداع کرد، یعنی باید ایده‌هایی را ساخت که رویدادهای احتمالی آینده را نشان دهند، این ایده‌ها بی‌نهایت اهمیت دارند.^{۲۲}

ج. استلزامات تدوین چشم‌انداز در مطالعات سیاسی

در چشم‌انداز باید توجه داشت که ترسیم و تدوین آن می‌بایست همراه ویژگی‌هایی باشد:^{۲۳}

1. آرمان‌گرا باشد؛ نه محال. بر این اساس نباید چشم‌انداز با جامعه دست‌نیافتنی اشتباه

گردد.

2. چشم‌انداز وجود ندارد و باید محقق شود.
 3. محصول ارزش‌های اساسی، اهداف بنیادین و منابع باشد.
 4. باید کلیدی‌ترین ارزش‌ها، آرمان‌ها و اهداف در نظام سیاسی از طریق چشم‌انداز بیان شود تا درک روشنی از شرایط کنونی ارائه دهد و نقشه راهی برای آینده باشد.
 5. باید در پی تغییر وضع موجود، برتر از وضع موجود و آینده‌محور باشد.
 6. باید مناقشه‌پذیر نباشد و به میثاق عمومی تبدیل شود.
 7. باید پاسخ دهنده عقاید مختلف، فرهنگ و ارزش باشد.
 8. چنان جزئی و محدود نباشد که مانع از خلاقیت و نوآوری شود.
 9. باید برانگیزنده مشارکت همگانی و مشوق حرکت به سوی چشم‌انداز باشد.
4. فرآیند تدوین چشم‌انداز در مطالعات سیاسی

توصیه‌های ارائه شده درباره فرآیند تدوین چشم‌انداز، به هیچ وجه با هم هماهنگی ندارد؛ و هر یک از نویسندگان، فرایندی را در تدوین چشم‌انداز بیان کرده است؛ بدون آنکه فرایند تدوین دیگر مورد نقد و بررسی قرار گیرد. این اختلاف در تدوین چشم‌انداز را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:^{۲۴}

1. تحلیل وضع موجود

برخی از نویسندگانی چون شوماخر، جیمنز، کالینز و پوراس، به صراحت نحوه ارزیابی وضع موجود و پویش محیطی را مشخص کرده‌اند.^{۲۵} به زعم این نویسندگان، هدف از تحلیل وضع موجود، صورت واقع بخشیدن به چشم‌انداز و ایجاد درکی از مرحله اول در نگاه به آینده است. در حالی که بعضی دیگر چون استوارت معتقدند که چشم‌انداز فارغ از تحلیل وضع موجود، برای توصیف وضع مطلوب تدوین می‌شود و بنابراین، با تحلیل وضع موجود (حال) و گذشته مغایرت دارد.

نویسنده پژوهش حاضر معتقد است در تدوین چشم‌انداز در مطالعات سیاسی، جمع‌آوری اطلاعات (در زمینه منابع، محیط، رویدادها، پیشران‌ها و محرک‌ها) بدون توجه به وضعیت موجود، به منزله توصیف یک آرمان شهری است که با واقعیت‌های موجود تطابق ندارد؛ و به ناکجا آباد منتهی می‌گردد. در بررسی آینده مرجح در مطالعات سیاسی، باید وضع موجود مورد بررسی قرار گیرد. و اساساً تجسم شرایط سیاسی و اجتماعی در



آینده مرجح، مستلزم پرسش‌گری درباره شرایط کنونی جامعه است. پتانسیل رشد و توسعه آینده هنجاری، امروز وجود دارد؛ و به همین دلیل می‌توان آن را بررسی کرد. باید توجه داشت هدف از آینده‌پژوهی، صرف پیش‌بینی آینده نیست؛ بلکه بهبود آن است.^{۲۶} ما می‌خواهیم اوضاع و احوال ممکن یا احتمالی آینده را پیش‌بینی کنیم تا بتوانیم برای آن آماده شویم و توانایی بهتر برای پاسخ‌گویی به آینده داشته باشیم.^{۲۷} که از این طریق، فرصت‌ها و تهدیدها را شناسایی نماییم. بر این اساس، برای بررسی آینده ناچاریم روندها در پوشش محیطی را بررسی نماییم. بنابراین در روش چشم‌انداز برای ارائه آینده مرجح و مطلوب در مطالعات سیاسی، با این پیش‌فرض روبه‌رو هستیم که آینده را می‌توان با کمک روندها در پیمایش محیطی و ابزارهای عقلانی بهبود داد.^{۲۸}

2. وصل کردن آینده به حال

در رابطه با اینکه آیا چشم‌انداز باید با وضع موجود مقایسه شود یا خیر؟ و اگر پاسخ مثبت است، چگونه باید این کار صورت گیرد، اختلاف نظر است. بسیاری از صاحب‌نظران مثل کالینز و پوراس، درباره این مسئله سکوت اختیار کرده‌اند، برخی از نویسندگانی که معتقد به این مقایسه هستند، دو نظریه متفاوت مطرح کرده‌اند:

1-2. برنامه‌ریزی رو به جلو، از حال به آینده: از این منظر، استفاده از مفاهیم قابل تعقیب برای تحقق چشم‌انداز از طریق برنامه‌ریزی رو به جلو مجاز است.^{۲۹}

2-2. برنامه‌ریزی رو به عقب، از آینده به حال: این نظریه از شیوه رو به عقب حمایت کرده و معتقد است که در فرایند چشم‌انداز باید تاریخچه آینده تدوین شود؛ و در آن شرح داد که چگونه این آینده از وضع موجود حادث می‌گردد.^{۳۰}

چشم‌انداز در مطالعات سیاسی، یک برنامه‌ریزی از آینده به حال است. نه یک شیوه از آینده به حال. به عبارت دیگر، چشم‌انداز در مطالعات سیاسی، هرگز از وضع موجود حادث نمی‌شود، بلکه از ارزش‌ها و آرمان‌ها به‌دست می‌آید و یک روش هنجاری و نرماتیو می‌باشد که به جای وضع موجود، از وضعیتی که می‌خواهیم یا ممکن است در یک مقطع زمانی مشخص آینده به آن برسیم، آغاز می‌شود. این رویکرد به «پس‌بینی» نیز شهرت دارد؛ چرا که از آینده مطلوب به سوی حال باز می‌گردد (از آینده به حال می‌رسد)، نه اینکه از زمان حال به سوی آینده پیش برود. برای «پس‌بینی»، نخست باید یک هدف یا وضعیت مطلوب در آینده را مبنا قرار دهیم و آن‌گاه بکوشیم سلسله گام‌ها یا مراحل را

طوری بچینیم که می‌تواند هدف مورد نظر ما را به امروز برساند.^{۳۱} منتهی برای جلوگیری از ذهنی و آرمان دست نیافتنی، باید به بررسی وضع موجود پرداخت و سپس فرصت‌ها و چالش‌های وضعیت مطلوب را با وضع موجود مورد بررسی قرار داد.

3. اختلاف در مراحل تدوین چشم‌انداز

درباره فرایند تدوین چشم‌انداز، اختلاف نظر جدی میان نویسندگان آینده‌پژوه وجود دارد. در این گفتار برای دستیابی به مدل چشم‌انداز در مطالعات سیاسی، نگاهی خواهیم داشت به مراحل مختلفی که از سوی نویسندگان آینده‌پژوه مطرح شده است:

3-1. لاتام، فرایند تدوین چشم‌انداز را طی هشت مرحله مطرح می‌کند: جمع‌آوری درون‌داد، طوفان ذهنی، حذف اضافات، تدوین سند اولیه، تصحیح بیانیه، آزمون معیارها، کسب تأیید یا تصحیح، و ابلاغ و تجلیل.^{۳۲}

3-2. ژزف کیگلی بدون اشاره به مراحل ضروری برای چشم‌انداز، سه عنصر ارزش‌ها، مأموریت و اهداف کلی، را به وجود آورنده سند چشم‌انداز می‌داند.^{۳۳}

3-3. مارتا لیزلی در کتابی با نام "چشم‌اندازهای دلیرانه"،^{۳۴} در هفت گام، فرایند تدوین چشم‌انداز را تعیین می‌کند: گام اول مربوط به تاریخچه (تسهیم برهه‌های مهم و امکانات) است. در این مرحله بر پویای محیطی تأکید می‌شود و تاریخ به برهه‌های مهم تقسیم می‌شود. گام دوم به ارزش‌ها پرداخته می‌شود. تبیین موضوعاتی به نام ارزش‌ها، که بیشترین اهمیت را دارند. گام سوم، محیط را در بر می‌گیرد. انتخاب آنچه می‌خواهید. برای مثال، ده سال آینده، ایده‌آل نظام سیاسی در زمینه شاخص‌های سیاسی چون آزادی، احزاب و... چگونه خواهد بود. گام چهارم، مرحله اقدام است. شکل بخشیدن به رفتارها و ظرفیت‌ها. گام پنجم هویت را در بر دارد. صیقلی کردن تصویری از آینده. گام ششم مربوط به همکاری و محقق کردن هدف است. چگونه ایده (ایده ده سال آینده ایده‌آل نظام سیاسی در زمینه شاخص‌های سیاسی) بر نظام سیاسی تأثیر می‌گذارد. سرانجام، گام هفتم، ترسیم چشم‌انداز به عنوان ترسیم آینده مطلوب است.

3-4. رابرت جانگ^{۳۵} - آینده‌پژوه و نواندیش اجتماعی آلمانی الاصل - در سال 1962 «کارگاه‌های آینده» را پایه‌گذاری کرد. او با تشویق مردم، از آنان می‌خواست نگره‌های خود پیرامون آینده را بازنگری و اصلاح کنند و بکوشند چشم‌اندازی از آینده مطلوب خود بیافرینند. جانگ، خلق چشم‌انداز را در کارگاه آموزش می‌دهد. کارگاه با



مرحله نقد آغاز می‌شود. در این مرحله، شرکت‌کنندگان، هر گونه نارضایتی یا تجربه منفی مربوط به موضوع منتخب کارگاه را مطرح می‌کنند. سپس نوبت به مرحله تخیل می‌رسد که طی آن، شرکت‌کنندگان خواسته‌ها، رؤیاهای و دیدگاه‌های متفاوت خود و نیز ایده‌هایی را در پاسخ به مشکلات مطرح شده را بازگو می‌کنند. مجموعه‌ای از جالب‌ترین افکار و اندیشه‌ها انتخاب می‌شود و یک گروه کاری کوچک، آن‌ها را به راه حل تبدیل می‌کند. کارگاه با مرحله اجرا پایان می‌یابد. این مرحله در حقیقت بازگشت به زمان حال و محدودیت‌ها و ساختارهای قدرت آن است. در این مرحله، شرکت‌کنندگان با دقت، احتمال اجرای طرح‌های خود را می‌سنجند، موانع را شناسایی می‌کنند و به دنبال روش‌هایی برای تکمیل آن‌ها می‌گردند تا بتوانند برنامه‌ای برای اقدام بنویسند.^{۳۶}

3-5. ادوارد لیدامین^{۳۷} و رونالد لیپیت^{۳۸} روش چشم‌انداز را با هشت مرحله تدوین کرده‌اند:

بررسی تاریخچه عمومی با هدف ایجاد درک مشترک.

شناسایی نقاط قوت و ضعف، توفان فکری و تهیه فهرست افتخارات و پشیمانی‌ها. شناسایی ارزش‌ها و باورهای بنیادین و بحث پیرامون اینکه کدام یک از آن‌ها را باید نگاه داشت و از کدام باید دست کشید.

شناسایی رویدادها، پیشرفت‌ها و روندهای مرتبط که می‌توانند بر حرکت به سوی آینده مطلوب تأثیر بگذارند.

خلق چشم‌اندازی از آینده مطلوب که شفاف، حاوی جزئیات و قابل فهم باشد.

بیان چشم‌اندازهای آینده به زبان هدف‌های عملی.

برنامه‌ریزی برای اقدام: طراحی گام‌های برنامه‌ریزی شده و تعیین متولی برای هر یک از آن‌ها.

ابداع ساختارهایی برای اجرای برنامه، همراه با بازنگری و اصلاحات میان مرحله‌ای، مراسم پایانی و اعلان عمومی موفقیت‌ها.^{۳۹}

3-6. فرآیند تدوین چشم‌انداز از طریق کلمنت بزولد در پنج گام مورد بررسی قرار گرفته است: شناسایی مسئله‌ها، تهیه فهرست موفقیت‌های پیشین، تبیین آمال و آرزوها برای آینده، تعیین هدف‌های قابل اندازه‌گیری، شناسایی منابعی برای دستیابی به هدف‌ها.^{۴۰}

چنانچه بیان شد اتفاق نظری درباره خلق چشم‌انداز وجود ندارد. پژوهش حاضر از میان

مدل‌های چشم‌انداز، بر ترکیبی از مدل مارتالیزی و ادوارد لیندامن تأکید دارد. مدل لاتام با توجه به مراحل طوفان ذهنی، تصحیح بیانیه، ابلاغ و تجلیل، چشم‌اندازی سازمانی هستند و تناسبی با مطالعات سیاسی ندارد و از سوی دیگر در روش ترکیبی مارتالیزی و لیندامن، شاخص‌های کیگلی، رابرت جانگ و کلمنت بزولد قابل اجراست. با استفاده از مدل‌های لیزلی و لیندامن، فرایند تدوین چشم‌انداز به مثابه یک روش در مطالعات سیاسی در چهار مرحله انجام می‌شود:^{۴۱}

مرحله اول: تعیین ارزش‌ها و اهداف بنیادین

چشم‌انداز مطلوب، نیازمند اندیشیدنی فراتر از ظرفیت‌های موجود (پیمایش محیطی) است؛ چرا که چشم‌انداز هرگز از وضع موجود حادث نمی‌شود؛ بلکه از جهان‌بینی محوریⁱ به دست می‌آید. و جهان‌بینی محوری را طلب می‌کند. جهان‌بینی محوریⁱⁱ از آن جهت اهمیت اساسی دارد که همواره ثابت و پایدارند، و هویت جامعه و نظام سیاسی را شکل می‌دهد؛ و از دو بخش تشکیل شده است:

ارزش‌های اساسیⁱⁱⁱ

چشم‌انداز مطلوب، محصول ارزش‌هاست؛ و از پیمایش محیطی به دست نمی‌آید. هر چند ارزش عبارت است از «اندیشه و تصورات از آنچه یک فرهنگ خاص به عنوان خوب یا بد، توجه دارد».^{۴۲} اما مراد از «ارزش» در چشم‌انداز در مطالعات سیاسی، ارزش‌های اساسی^{iv} است؛ ارزش‌های اساسی اصول و باورهایی هستند که نظام سیاسی را هدایت می‌کنند و هویت جامعه را شکل می‌دهند. این ارزش‌ها از یک طرف، نگرش و «ایده» ما را شکل می‌دهند؛ و نگرش به نوبه خود، رفتارمان را (به عنوان یک روند) هدایت می‌کند.^{۴۳} بنابراین، ارزش‌ها یک راهنما برای کنش ارائه می‌دهد؛ و هدایت نظام سیاسی از طریق ارزش‌ها انجام می‌گیرد.^{۴۴} در این گفتار در صددیم با توجه به تعریف ارزش‌های اساسی، به چیستی و ویژگی‌های محتوایی آن پرداخته و مؤلفه‌هایی را به عنوان ارزش‌های اساسی به دست آوریم. در مجموع، ویژگی اصلی آنچه به عنوان ارزش‌های اساسی در

- i. Core Ideology.
- ii. Core Ideology.
- iii. Core Values.
- iv. Core Values.



چشم‌انداز شناخته می‌شود، عبارتند از:

ویژگی اول: ارزش‌های اساسی، به عنوان خطوط قرمزی هستند که عام و فراگیر می‌باشند.^{۴۵} از جمله تلقی‌های نادرستی که نسبت به ارزش‌های اساسی شکل گرفته، می‌توان به گونه‌گونه کردن «ارزش‌های اساسی به عنوان خطوط قرمز» نسبت به حوزه‌های مختلف اشاره کرد؛ مثلاً خطوط قرمز فعالیت‌های حزبی، خطوط قرمز مطبوعاتی و عناوینی از این قبیل که اساساً با ماهیت و جوهر «خطوط قرمز» منافات دارند.^{۴۶} واقع، آن است که ارزش‌های اساسی از حیث کمی کمتر از آنند که بتوان آن‌ها را چندین دسته متفاوت قرار داد و کلی‌تر از آنند که بتوان آن‌ها را مختص سنخ خاصی از فعالیت‌ها قرار داد.

ویژگی دوم: ارزش‌های اساسی به شکل قانون در می‌آیند.^{۴۷} ارزش‌های موجود در هر نظامی با توجه به «حساسیت» و «اهمیتی» که دارند، از جمله مواردی هستند که به دست دولتمردان و توده‌های مردمی، به کسوت قانونی در می‌آیند. بنابراین، این گمان که ارزش‌های اساسی اموری فرا قانونی می‌باشند که بر نظام حقوقی تحمیل می‌شوند، اساساً باطل است. به عبارت دیگر ارزش‌های اساسی از ارزش قانونی برخوردار است. ارزش‌های اساسی می‌توانند از حیث معرفتی، ریشه در باورها یا اعتقادات ما داشته باشند؛ اما تا این «باور» و یا «اعتقاد»، لباس قانون نپوشند، ارزش‌های اساسی نخواهند بود. برای مثال در ج.ا.ا. التزام به ارزش‌های اسلامی در مقام حکومت‌داری (اسلامیت نظام) از جمله «ارزش‌های اساسی» است که نقض آن از سوی هر فرد و گروهی به شدت محکوم می‌شود؛ این امر، ریشه در معرفت دینی ما دارد که به عنوان یک مسلمان که دیدگاه دینی امام خمینی علیه السلام از اسلام سیاسی را پذیرفته است، ضرورت وجودی آن را نمی‌توانیم منکر شویم. اما همین اعتقاد چون در قالب «قانون اساسی» مطرح می‌شود، صیغه اجرایی یافته و مبنای عمل قرار می‌گیرد؛ حال آنکه تا پیش از آن، خود این اعتقاد به عنوان یک موضوع مورد اختلاف در بستر رقابت‌های حزبی و گروهی - در اوایل انقلاب اسلامی - مطرح بود. عدم برخورد حضرت امام علیه السلام با جریان‌های چپ و لیبرال و گروه‌های افراطی اسلامی در بدو پیروزی انقلاب که از الگوهای حکومتی‌ای چون «جمهوری خلق ایران»، «حکومت جمهوری دموکراتیک ایران» و یا «حکومت اسلامی ایران» در مخالفت با الگوی «جمهوری اسلام» حمایت می‌کردند؛ دلالت بر همین واقعیت دارد. حال آنکه پس از همه پرسی نظام و تثبیت الگوی «جمهوری اسلام»، حضرت امام علیه السلام به هیچ کس اجازه

تعرض به این اصل مهم را نمی‌دادند.^{۴۸}

تدوین چشم‌انداز مطلوب، نظام سیاسی را در رابطه با ارزش‌های اساسی با پرسش‌هایی روبه‌رو می‌سازد که از طریق این پرسش‌ها می‌توانیم ارزش‌های اساسی را از مفاهیم دیگری که گاهی اوقات به اشتباه، ارزش اساسی تصور می‌شود، جدا کنیم:

1. آیا نظام سیاسی حاضر است ارزش‌های اساسی را تا یکصد سال حفظ کند؟
 2. اگر ارزش‌ها موجب ضرر و زیانی شود، آیا نظام سیاسی آن را حفظ کند؟ برای تمییز ارزش‌ها، از دیگر مفاهیم، باید به این نکته توجه داشت که: اگر با تغییر شرایط، به سبب داشتن این ارزش‌ها، دچار ضرر و زیان شویم، آیا همچنان باید این ارزش‌ها را نگه داشت؟ اگر پاسخ مثبت نباشد، پس این ارزش‌ها، ارزش‌های بنیادین نیستند و باید از آن‌ها صرف نظر کرد.^{۴۹} پس از تعیین ارزش، مرتب کردن ارزش‌ها و اولویت‌بندی آن‌ها اهمیت دارد. زمانی که مجبور به انتخاب یکی از ارزش‌ها شدیم، اولویت‌بندی ارزش‌ها، خود را نشان می‌دهد.
 3. اگر دولت‌های دیگری بر مسند قدرت قرار گیرند، آیا نظام سیاسی، این ارزش‌ها را حفظ می‌کند؟
 4. اگر به توسعه اقتصادی و... دست یافتیم، آیا نظام سیاسی به ارزش‌ها وفادار می‌ماند؟
 5. آیا این ارزش‌ها به نسل‌های آینده و دیگران نیز توصیه می‌شود؟
- بنابراین، با پرسش‌های فوق، به دنبال ارزش‌های بنیادین هستیم. این ارزش‌ها راهنمای اصلی چشم‌انداز در مطالعات سیاسی می‌باشد؛ و تدوین چشم‌انداز و نوع اطلاعات جمع‌آوری شده را مشخص می‌سازد.

کاربرد مصداقی: ارزش‌های اساسی در جمهوری اسلامی ایران

از میان ارزش‌های مختلف، دو مؤلفه جمهوریت و اسلام به منزله ارزش‌های اساسی در ج.ا.ا. قابل طرح است.^{۵۰} در منابع ج.ا.ا.، جمهوریت به معنای تکیه به آراء مردم، جایگاه اساسی دارد. به تعبیر امام خمینی علیه السلام: «از حقوق اولیه هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت خود را در دست داشته باشد»^{۵۱} از این رو، حق اولیه مردم آن است که در باره حکومت خویش تصمیم بگیرند؛ و حکومت، زمانی حق استفاده از قدرت و اقتدار را دارد که این حق را به نیابت و وکالت از مردم عمل نماید. اما از ابتکارات امام



خمینی رحمته الله علیه در خصوص مفهوم جمهوری، ترکیب آن با اسلام بوده است. بدین لحاظ، حکومت از دیدگاه امام همچون ژانوس دوگانه است که بر دو پایه بناگذاری می‌شود: یکی جمهوریت و دیگری اسلامیت. در منابع ج.ا.ا، ترکیب جمهوریت با اسلامیت، یک ترکیب انضمامی نیست؛ بلکه یک هویت است؛^{۵۲} به این مفهوم که جمهوریت همانند کشورهای غربی باالإصاله اعتبار ندارد.^{۵۳} به دیگر سخن، جمهوریت و اتکا به آرای مردم در نظام اسلامی، یک امر مقدسی است. علت آن نه به دلیل فلسفه لیبرالیسم است که جمهوریت باالإصاله دارای اعتبار و ارزش است که در این صورت، جمهوریت و اسلامیت، یک مرکب انضمامی می‌شوند؛ بلکه به این دلیل که جمهوریت و اسلامیت، یک هویت است، یعنی خود خداوند، مردم را آزاد آفریده است.^{۵۴} و مهم‌ترین مصداق آزادی الهی، جمهوریت، یعنی تعیین سرنوشت به دست خود مردم است.

مقام معظم رهبری در تفسیر «جمهوریت» بر این باور است که جمهوری اسلامی یک مرکب انضمامی نیست تا عده‌ای طرفدار جمهوریت و عده‌ای دیگر طرفدار اسلامیت باشند؛ بلکه جمهوری اسلامی، یک هویت است و آن جمهوری‌ای است که خداوند آن را معتبر نموده است. جمهوریت، یک فرمان الهی است. از سوی خداوند دستور داده شده که باید به رأی مردم مراجعه شود.^{۵۵} بر این اساس، ایشان، اندیشه «حکومت مردم‌سالار نمی‌تواند حکومت دینی باشد و یا حکومت دینی نمی‌تواند حکومت مردم‌سالار باشد» را یک مغالطه دانسته و تصریح می‌کنند که حکومت اسلامی، حکومت مردمی نیز می‌تواند باشد. چنان چه در صدر اسلام و نیز امروزه در جمهوری اسلامی ایران چنین است. مردم در حکومت اسلامی در چارچوب قوانین الهی، اجازه هرگونه تصرفی دارند و هرگونه نوآوری مطابق معیارهای الهی ممکن است.^{۵۶}

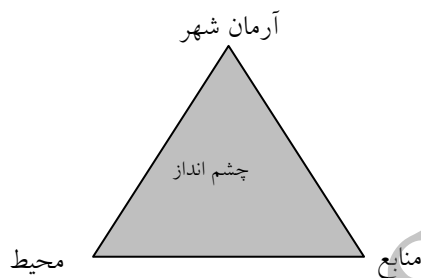
بنابراین، جمهوریت و اسلامیت به منزله ارزش‌های اساسی، خطوط قرمز عام و فراگیر می‌باشند که نظام سیاسی را هدایت می‌کنند؛ و هویت شهروندی را شکل می‌دهند. این ارزش‌های اساسی فرا زمانی می‌باشند و در گذر زمان تغییر نمی‌یابند.

2. اهداف بنیادین^۱

اهداف بنیادین که دلیل وجودی تشکیل حکومت هستند، از ارزش‌های اساسی اقتباس می‌شوند. این اهداف، ضمن بیان انگیزه آرمان، از ثبات و پایداری برخوردارند؛ و شاخص

i. Core Purpose.

مهمی برای یافتن مسیر می‌باشند.^{۵۷} در واقع، اهداف بنیادین را تنها با پاسخ «چرا» می‌توان پیدا کرد. از این رو، هنگام تدوین چشم انداز در مطالعات سیاسی، پرسش‌های پنج‌گانه پیشین را در مقابل طرح این پرسش قرار می‌دهیم که «چرا این برای شما مهم است.»^{۵۸} و از این طریق به اهداف بنیادین دست می‌یابیم.



شکل شماره 3. جایگاه آرمان و ارزش‌ها در چشم‌انداز

مرحله دوم: پویش منابع و پیمایش محیطی

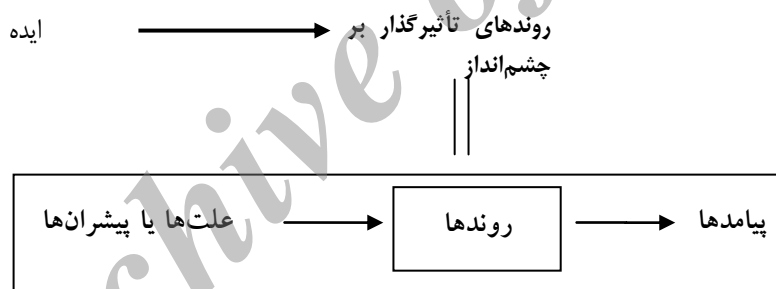
چشم‌انداز در مطالعات سیاسی، با پویش منابع و پیمایش محیطی آغاز می‌گردد. تصویری دقیق از وضع سیاسی موجود، به نظام سیاسی اجازه می‌دهد تا بداند برای دستیابی به وضعیت مطلوب باید چه تغییراتی ایجاد کند. برای مثال در پویش محیطی جمهوری اسلامی ایران، باید منابع و محیط (دوره‌های 30 ساله) مورد بررسی قرار گیرد. منابع و سند بالادستی در جمهوری اسلامی ایران شامل قانون اساسی، سند چشم‌انداز، اندیشه‌های سیاسی امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری است. سپس باید نظام سیاسی را به برهه‌های مهم تقسیم نمود؛ و در هر یک از برهه‌ها، فراز و فرودهای سیاسی را مورد بررسی قرار داد و نظام سیاسی ج.ا.ا. را به دوره‌های مختلف تقسیم نمود.

برای ترسیم چشم‌انداز در پویش منابع و پیمایش محیطی، با پرسش‌هایی روبه‌رو هستیم که پاسخ به آن‌ها در تدوین چشم‌انداز ضروری است: برای ترسیم چشم‌انداز چه مقدار منابع در زمینه مطالعات سیاسی داریم؟ آیا تعریف مشترک و واحدی از مفاهیم سیاسی در منابع و محیط مطرح شده است؟ ظرفیت نظام سیاسی برای مواجهه با عوامل قابل پیش‌بینی که طریق پیمایش محیطی به دست آمده، چگونه است؟ روندها و رویدادهای تأثیرگذار بر چشم‌انداز کدام هستند؟ در پیمایش محیطی، جمع‌آوری اطلاعات در خصوص رویدادها، روندها و روابط میان آن‌ها در یک نظام سیاسی و اینکه کدام‌یک از



این اطلاعات به چشم‌انداز یاری می‌رساند، اهمیت دارد.^{۵۹} بسیاری از اندیشمندان، شناسایی روندها و رویدادهای تأثیرگذار را حائز اهمیت می‌دانند.^{۶۰} بنابراین، در پیمایش محیطی چشم‌انداز، شناسایی روندها و رویدادها اهمیت دارد. زمانی که روندها و رویدادها همسو با چشم‌انداز باشند، از اهرم سیاست‌های عمومی در جهت تقویت آن‌ها استفاده می‌شود. و چنان چه همسو با چشم‌انداز نباشد، از اهرم سیاست‌های عمومی به منظور تصحیح مسیر و یا جلوگیری از ظهور آن‌ها بهره‌گیری می‌شود. بر این اساس با توجه به اهمیت شناسایی روندها، رویدادها در ترسیم چشم‌انداز در مطالعات سیاسی به بررسی آن می‌پردازیم:

1. روندهای تأثیرگذار بر چشم‌انداز: روندهای تغییرات منظم در داده‌هاست؛ که از گذشته شروع می‌شود و تا حال ادامه می‌یابد. برای اندیشیدن به آینده، با این پرسش جدی روبه‌رو هستیم که هم‌اکنون، چه اتفاقی در جریان است که اهمیت آن، مدت‌ها به عنوان یک روند، به قوت خود باقی خواهد بود و بر چشم‌انداز تأثیرگذار است؟ روندها در پیمایش محیطی تا آنجا در آینده‌پژوهی اهمیت دارد که آن را یکی از عناصر چهارگانه ساخت آینده دانسته‌اند.^{۶۱}



شکل شماره 4. روندهای تأثیرگذار بر چشم‌انداز

خاستگاه و منشأ روندها "ایده‌ها" هستند. در واقع، ایده‌ها آغازگر تغییرات منظم، یعنی روند می‌باشند. بر این اساس، مهم است که به عنوان گام نخست، تشخیص دهیم که ایده‌های تأثیرگذار بر چشم‌انداز از کجا بر می‌خیزند و چگونه در فضای جامعه جاری می‌شوند.^{۶۲} برای مثال در پیمایش محیطی با روندهای مختلفی چون روند اقتصادی، روند پیشرفت ارتباطات و فناوری، روند افول فرهنگ سنتی و... روبه‌رو هستیم. باید بررسی کرد که چه ایده‌هایی بر روند اقتصادی و... تأثیرگذار است. پس از شناسایی "ایده‌ها"

و "روندها" می‌بایست به این نکته توجه داشت که آیا منجر به تقویت چشم‌انداز می‌شوند تا بر آن‌ها تأکید شود و یا منجر به تضعیف چشم‌انداز می‌گردند تا سیاست‌ها در تضعیف آن‌ها متمرکز شوند.

پس از شناسایی ایده و پیشران‌های روند، تحلیل پیامدهای روند حائز اهمیت است. هدف از تحلیل پیامدها، شناسایی آثار یک روند است. بنابراین، در تحلیل روند تأثیرگذار بر چشم‌انداز با این پرسش روبه‌رو هستیم: "ایده" و مبنای فکری روند تأثیرگذار بر چشم‌انداز کدام است؟ چه عاملی می‌تواند مسیر این روند را عوض کند یا سرعت ببخشد؟ بر فرض آنکه روند، تغییر جهت دهد، پیامد آن چه خواهد بود؟ آیا در زمینه چشم‌انداز، از موقعیت خود در ده سال آینده که زمزمه‌های آن از همین حالا به گوش می‌رسد، راضی هستیم؟ اگر نه، چگونه می‌توانیم آن را جهت‌دستیابی به چشم‌انداز تغییر دهیم؟^{۶۳}

2. رویدادهای تأثیرگذار بر چشم‌انداز: رویدادهای^۱ ضد روند هستند. روندها تغییرات مستمر در طول زمانند و قاعده‌مند می‌باشند؛ اما رویدادها تغییراتی هستند که به سرعت اتفاق می‌افتد و قاعده‌مند نیستند. حوادثی چون تصمیم یک رئیس‌جمهور، جنگ، ترور، و... می‌توانند تأثیر مهمی بر چشم‌انداز بگذارند. آینده ممکن است آستن اموری باشد که کاملاً نو بوده و پیش از آن هرگز در نظام سیاسی تجربه نشده باشد. این امور به طور مستقیم یا غیر مستقیم می‌تواند بر چشم‌انداز تأثیرگذار باشد. تأثیر رویداد بر روند به روش "تحلیل تأثیر بر روند" یا "تأثیر متقاطع" شهرت دارد. این روش برای اولین بار از سوی اولاف هلمر ابداع شد. مهم‌ترین حُسن این روش، آن است که آینده‌پژوه را وادار می‌کند تا به روابط متقابل تمام متغیرهایی که برای تجزیه و تحلیل انتخاب شده‌اند، به دقت بیندیشد.^{۶۴} بنابراین، در تحلیل "تأثیر بر روند" باید علاوه بر شناسایی روندها، رویدادهای تأثیرگذار بر روند چشم‌انداز نیز شناسایی و میزان تأثیر آن‌ها بر روند مشخص گردد. در شناسایی رویدادهای تأثیرگذار بر روند، با پرسش‌هایی روبه‌رو هستیم:^{۶۵} چه رویدادهایی می‌تواند روند چشم‌انداز را تضعیف یا تقویت نماید؟ تأثیر رویدادها بر روند، چه زمانی به حداکثر و نقطه پایانی می‌رسد؟ این تضعیف و تقویت رویدادهای فعلی به چه تغییراتی در چشم‌انداز منجر می‌شوند؟



مرحله سوم: آینده تصویر شدهⁱ

پس از پیمایش محیطی (شناخت روندها و آگاهی از امکانات وضع موجود) و یافتن ارزش‌ها و اهداف بنیادین، باید برای افزایش تحقق چشم‌انداز، با تصویر کشیدن آینده، هویتی ساخته می‌شود که در احساس شهروندان رسوخ نماید. این آینده تصویر شده از دو مؤلفه «اهداف پر مخاطره» و «توصیف شفاف» تشکیل می‌شود.

1. اهداف پر مخاطره و متهورانه برای 10 تا 30 ساله (BHAG): کالینز و پوراس این نوع اهداف را به اختصار بی‌هگ⁶⁶ (هدف بزرگ سخت متهورانه) نامیده‌اند.⁶⁷ این اهداف (BHAG) علاوه بر تعیین سمت و سوی بلند مدت (10 تا 30 ساله)، نشان می‌دهند که نظام سیاسی، در صدد چه اقداماتی است. بی‌هگ‌ها (BHAG) باید از ارزش‌ها بجوشند؛ بر این اساس، نظام سیاسی باید بتواند اهداف خود را با توجه به ارزش‌ها، به طور مشخص ارائه دهد.⁶⁸ این اهداف متهورانه دارای چهار کارویژه مهم در چشم‌انداز نظام سیاسی است:

1-1. نقش الگودهی: ایجاد آرمان‌شهر در صورت تحقق چشم‌انداز. برای مثال، ارائه آرمان شهر اسلامی ایرانی.
2-1. ارائه یک الگوی مهم در مفاهیم سیاسی در مقابل الگوها در مکاتب سیاسی دیگر.

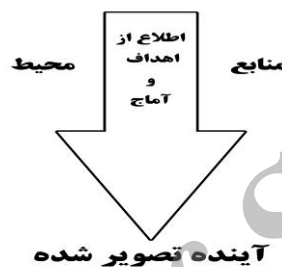
3-1. تحول درونی اهداف: ایجاد تحول در هدف و تبدیل به مقوله‌ای تازه.
4-1. آماج: با شکستن اهداف بنیادین به مؤلفه‌های شدنی، به اهداف عینی یا آماج می‌رسیم. آماج، گام‌ها (تکه‌های بسیار کوچک) و نقشه راه هستند که بین بخش‌های مختلف تقسیم می‌شود تا واحدها نسبت به آن پاسخ‌گو باشند؛ و از این طریق، چشم‌انداز را به حقیقت مبدل می‌کنیم. تحقق اهداف و ارائه بازخورد مثبت و پاداش، عامل مهمی در حفظ اشتیاق شهروندان و پیشرفت مستمر محسوب می‌شود.

2. توصیف شفاف: دومین مؤلفه آینده تصویر شده، توصیف شفاف از جایی است که نظام سیاسی با اهداف متهورانه، به آن خواهد رسید. در این مرحله باید چشم‌انداز از کلمات و واژه‌ها، به توصیف شفاف و ملموس برای شهروندان و نخبگان سیاسی مبدل شود.⁶⁹ (تبدیل چشم‌انداز از کلمه به تصویر، تصویر روشن از آینده تخیلی که با تحقق بی‌هگ

i. Envisioned Future.

روی می‌دهد).

بنابراین، چشم‌انداز یک نظام سیاسی، به نوع خاصی (توصیف شفاف) از اهداف بی‌هنگ نیاز دارد. بی‌هنگ، چشم‌انداز کل نظام سیاسی را در بر می‌گیرد؛ و تلاشی 10 تا 30 ساله را می‌طلبد. بی‌هنگ باید ملموس، انرژی‌بخش باشد و نیازی به توضیح بیشتر نداشته باشد. شهروندان، آن را به راحتی بفهمند؛ و به علاوه، چنین چشم‌اندازی، افراد را درگیر خود کند.



شکل شماره 5. جایگاه آینده تصویر شده در چشم‌انداز

مرحله چهارم: برنامه اقدام؛^{۷۱} چالش‌ها و راهکارها

در چهارمین مرحله فرایند چشم‌انداز به «اقدام» می‌رسیم. با توجه به نظام سیاسی مطلوب، باید چه اقداماتی انجام گیرد تا وضع موجود به تحقق آینده مطلوب کمک کند؛ و این اقدامات برای رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب با چه چالش‌هایی روبه‌رو است؟ «اقدام» در چشم‌انداز به دو معنا دلالت دارد: یک، اجرای راهبردهایی که نظام سیاسی برگزیده است. این نوع اقدام، از ابزارهای اجرایی سنتی است که بسیاری از نظام‌های سیاسی به آن خو گرفته‌اند و به خوبی می‌توانند از آن استفاده کنند. معنای دیگر، بر پی‌گیری مداوم تحقق مراحل چشم‌انداز، یعنی پویا محیطی و... دلالت دارد.^{۷۰} در معنای دوم، اقدام شامل استراتژی‌ها و تاکتیک‌ها برای تحقق اهداف (BHAG) است. استراتژی‌ها به این پرسش پاسخ می‌دهند: نظام سیاسی چگونه به اهداف دراز مدت دست می‌یابد؟ نظام سیاسی چگونه می‌خواهد آن اهداف را به واقعیت نزدیک کند؟ و تاکتیک‌ها بیان‌گر برنامه‌های عملیاتی هستند که استراتژی‌های گسترده را پشتیبانی می‌کند؛ و به این پرسش پاسخ می‌دهند: چه برنامه‌های کوتاه مدتی برای حمایت از یک استراتژی خاص لازم است؟^{۷۱} در مرحله «اقدام» باید به نکاتی توجه داشت. نظام سیاسی باید بتواند اهداف

بلند مدت (BHAG) را به استراتژی‌ها و تاکتیک‌های کاملاً مشخص ترجمه کند.^{۷۲} بر این اساس، استراتژی‌ها به این پرسش پاسخ می‌دهند که: نظام سیاسی چگونه به هدف-های بلند مدت (BHAG) چشم‌انداز آزادی سیاسی دست می‌یابد؟ چگونه می‌خواهد آن اهداف را به واقعیت نزدیک کند؟^{۷۳} نظام سیاسی برای رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب با چه چالش‌هایی روبه‌رو است؟

فرجام سخن

رابطه آینده‌پژوهی به مثابه یک علم میان رشته‌ای، با مطالعات سیاسی از منظرهای متفاوتی چون بومی‌سازی آینده‌پژوهی، چشم‌انداز و... قابل طرح است. پژوهش حاضر از منظر چشم‌انداز، این رابطه را مورد بررسی قرار داده است. چشم‌انداز همواره در ساختار مدیریتی و سازمانی به بحث گذاشته شده است. اینکه بتوان از چشم‌انداز به مثابه یک روش در مطالعات سیاسی استفاده نمود، کمتر به آن پرداخته شده و یا در منظر روشی استفاده نشده است. این پژوهش از یک طرف با ترکیبی از مدل‌های چشم‌انداز، به دنبال مدل‌سازی در چشم‌انداز به مثابه روش بوده است؛ و از سوی دیگر در صدد طرح این مسئله بود که می‌توان در فرایند چهارگانه از روش چشم‌انداز در مطالعات سیاسی بهره جست. در مجموع از پژوهش حاضر چنین استنباط می‌شود که:

1. چشم‌انداز، یک روش هنجاری در آینده‌پژوهی است که از یک موقعیت مطلوب در آینده شروع شده و به زمان حال می‌رسد؛ و چگونگی تحقق آن موقعیت در آینده را بررسی می‌کند. به اصطلاح، یک رویکرد پس‌بینی است؛ و از آینده مطلوب در منابع و ارزش‌های اساسی به دست می‌آید. بر این اساس، چشم‌انداز، هرگز از وضع موجود حادث نمی‌شود تا یک رویکرد پیش‌بینی باشد. به همین دلیل، چشم‌انداز، هیچ تناسبی با ترسیم آینده‌های ممکن، محتمل و محال ندارد.

2. الگوی منتخب چشم‌انداز؛ در پژوهش حاضر، ترکیبی از روش‌های مارتالیزلی و لیندامن است که در چهار مرحله اجرا می‌گردد: تعیین ارزش‌ها (شامل ارزش‌های اساسی و اهداف بنیادین)، پویش منابع و پیمایش محیطی، آینده تصویر شده (شامل بی‌هنگام‌ها و توصیف شفاف) و چالش‌ها و راهکارها برای رسیدن به آینده تصویر شده.

3. چشم‌انداز در مطالعات سیاسی، محصول ارزش‌های اساسی است؛ بدین معنا که چشم‌انداز باید ریشه در ارزش‌های اساسی داشته باشد. این ارزش‌ها هرچند شامل اعتقادات



و باورها می‌شود؛ ولی برای تبدیل شدن به ارزش‌های اساسی، باید به صورت قانون در آید
و عام و فراگیر باشد.

پی‌نوشت‌ها

1. پدرام عبدالرحیم و همکاران، *آینده پژوهی مفاهیم و روش* (تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری و دفاعی، 1388) ص 67.
2. *oxford advanced learner dictionary*, 2004.
3. روح الله قدیری، *بررسی و شناخت روش‌های مطالعه آینده* (تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقات صنایع دفاعی، بی تا) ص 12.
4. J and Neubauer , parikh, F, "*corporaet visioning* Int, rev , 1993, p.4.
5. J. M, stewart *futurestate visiong a powerful leadership process*. 1993, Long Range plan 26.
6. «افق زمانی معین بلندمدت متناسب با ارزش‌های اساسی و اهداف بنیادین» از ویژگی‌های چشم‌انداز که در پژوهش حاضر به آن اشاره می‌شود.
7. عقیل ملکی فر و همکاران، *الفبای آینده پژوهی* (تهران: کرانه علم، 1385)، ص 121 - 6 و نیز ر.ک: آشنایی با آینده پژوهی، پیشین، ص 65.
8. عقیل ملکی فر، و نادر شریعتمداری، *چشم‌انداز رهبران آن را می‌سازد* (تهران: اندیشکده آصف، 1388) ص 23.
9. روح الله قدیری، *بررسی و شناخت روش‌های مطالعه آینده* (تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقات صنایع دفاعی، بی تا) ص 9.
10. برای توضیح بیشتر رجوع شود به گفتار بعدی: تفاوت چشم‌انداز با سناریو نویسی.
11. همان.
12. عقیل ملکی فر، *آینده پژوهی و مهدویت: نسبت‌ها و روابط از دیدگاه کاربردی* malakifar@iranasef.org ص 7.
13. عبدالرحیم پدرام و همکاران، *آینده پژوهی مفاهیم و روش‌ها*، پیشین، ص 6.
14. همان، ص 41.
15. ماتس لیندگرن، و هانس باندهولد، *طراحی سناریو؛ پیوند بین آینده و راهبرد*، ترجمه



- عزیز تاتاری (تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، 1386) ص 64.
16. همان، ص 39.
17. 82/5/15.
18. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، *غررالحکم* (قم: مکتب الاعلام الاسلامی، بی تا) ص 57، شماره 579.
19. عبدالرحیم پدرام و همکاران، آینده پژوهی، مفاهیم و روش، پیشین، ص 12 و ر.ک: آشنایی با آینده پژوهی، پیشین، ص 14.
20. *سوره رعد*، آیه 11.
21. ریچارد اسلاتر، و همکاران، *نواندیشی برای هزاره نوین: مفاهیم، روش‌ها و ایده‌های آینده پژوهی* (تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، 1388) ص 17.
22. عقیل ملکی فر، و همکاران، *الفبای آینده پژوهی*، پیشین، ص 63 - 60.
23. سعید خزایی، *شکل بخشیدن به فردای مطلوب*، ص 46 - 39. ر.ک: www.FutureDiscovery.org.
24. فرزانه میرشاه ولایتی، *راهنمای عملی تدوین چشم انداز*، پیشین، ص 73-66.
25. همان.
26. ادوارد کورنیش، *آینده پژوهی پیشرفته*، نگاهی ژرف به اصول، مبانی و روش‌های آینده پژوهی، ترجمه سیاوش ملکی فر (تهران: اندیشکده آصف، 1388) ص 97.
27. روندهای استراتژیک جهانی مؤثر بر دفاع و امنیت در افق زمانی 2007 تا 2036 میلادی، ترجمه کیوان منزوی، فرهاد نظری زاده، تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، 1386، ص 9.
28. داود آقایی، و احمدرضا عصار، *آینده پژوهی سیاست خارجی اوپاما، فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی*، سال اول، شماره 4، پاییز 1387، ص 206.
29. فرزانه میرشاه ولایتی، *راهنمای عملی تدوین چشم انداز*، پیشین، ص 71.
30. همان.
31. ادوارد کورنیش، *آینده پژوهی پیشرفته*، نگاهی ژرف به اصول، مبانی و روش‌های



- آینده پژوهی، پیشین، ص 142.
32. فرزانه میرشاه ولایتی، *راهنمای عملی تدوین چشم انداز، پیشین*، ص 71 و نیز رجوع کنید به کرنیش، ادوارد، *آینده پژوهی پیشرفته*، نگاهی ژرف به اصول، مبانی و روش‌های آینده پژوهی، پیشین، ص 73.
33. همان.
34. Martha Lasley, "Courageous Visions, Discover press, 2004.
35. Robert Jungk.
36. ادوارد کورنیش، *آینده پژوهی پیشرفته*، نگاهی ژرف به اصول، مبانی و روش‌های آینده پژوهی، پیشین، ص 108.
37. Edward Lindaman.
38. Roald Lippit.
39. ادوارد کورنیش، *آینده پژوهی پیشرفته*، نگاهی ژرف به اصول، مبانی و روش‌های آینده پژوهی، پیشین، ص 109.
40. همان، ص 110.
41. در برخی از مراحل چهارگانه، از روش‌های دیگر نیز استفاده شده است. برای مثال در پویش محیطی از روش تحلیل روند برای تحلیل سیاسی بهره برده‌ایم.
42. William J Goode, *The Dynamics of Modern society*, New york: Atherton, P 61. 1966.
- «ارزش‌ها» که از دوران باستان مورد توجه بوده و در این باره متون بسیاری نوشته شده است، در دهه‌های اخیر، بار دیگر مطالعه ارزش اهمیت تازه ای یافته است. - برای مثال واژه «آگزپولوژی» که از زبان یونانی به معنای «انرژی‌شناسی» گرفته شده، برای مطالعه تئوری عمومی ارزش مورد استفاده قرار می‌گیرد. ر. ک:
- Harold.H.Titus, *Living Issues in Philosophy*,_New york: American Book co, 1959, p.34.
43. فرزانه میرشاه ولایتی، *راهنمای عملی تدوین چشم انداز، پیشین*، ص 29.
44. Titus , 1959, p 343.
45. اصغر افتخاری، *درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت‌های سیاسی* (تهران: فرهنگ گفتمان، ریاست جمهوری، 1380) ص 120.
46. اصطلاحاتی چون «خطوط قرمز فعالیت‌های حزبی»، «خطوط قرمز انتشار کتاب» و...

که «خط قرمز» را با حوزه‌ای خاص از فعالیت تخصیص می‌زند، اصولاً اشتباه بوده و کاربرد آن‌ها تسامحی بیش نیست. به عبارت دیگر، هر نظام سیاسی، یک مجموعه از «خطوط قرمز» بیشتر ندارد که آن هم با عنوان «خطوط قرمز نظام» شناخته می‌شود و در غیر این موارد هر چه هست «قانون» و نه «خط قرمز» (یعنی قانون مطبوعات، قانون احزاب و...) می‌باشد. بنابراین، از این منظر، عنوان «خطوط قرمز رقابت‌های سیاسی»، عنوانی نادرست است؛ و نمی‌تواند معنای محصلی داشته باشد. ر.ک: اصغر افتخاری، درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت‌های سیاسی، پیشین، ص 121.

47 اصغر افتخاری، درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت‌های سیاسی، پیشین، ص 108.

48 همان، ص 109 و 110.

49 همان، ص 30.

50 صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1385) ج 4، ص 240؛ همان، ج 4، ص 444 و ج 5، ص 144، 170، 204 بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی 1382/1/19، 1377/4/12، 1376/11/15.

51 صحیفه امام، پیشین، ج 4، ص 347.

52 دیدار مقام معظم رهبری با اعضای مجلس خبرگان رهبری 1380/12/23.

53 بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای دفتر تحکیم وحدت 1379/10/13.

54 بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار فرماندهان سپاه 1382/1/19.

55 دیدار مقام معظم رهبری با اعضای مجلس خبرگان رهبری 1380/12/23.

56 بیانات مقام معظم رهبری در خطبه نماز جمعه 1362/3/27.

57 فرزانه میرشاه ولایتی، راهنمای عملی چشم انداز، پیشین، ص 28.

58 سعید خزایی، شکل بخشیدن به فردای مطلوب و هنر خلق چشم انداز، ص 31. ر.ک:

www.FutureDiscovery.org

59 روح‌الله قدیری، بررسی و شناخت روش‌های مطالعه آینده، ص 52.

60 همان، ص 56.

61 به تعبیر جیمز دیتور، آینده حاصل کنش چهار عامل مهم است. چهار عاملی که با تأثیر

بر یکدیگر، در نهایت آینده و چشم انداز ساخته می‌شود. این چهار عامل عبارتند از 1. روندها
2. رویدادها 3. تصویرها (Images): سومین عاملی که آینده را شکل می‌دهد، تصویرهایی
است که مردم از آینده در ذهن خود می‌پرورانند. بر این اساس، عملکرد دولت‌ها و
سیاست‌گذاری‌ها باید تصویرهای مثبت (مطلوب و مرجح) از آینده ایجاد نماید. تصویرها در
گفتار جداگانه‌ای با عنوان "آینده تصویر شده" در مراحل چشم‌انداز مورد بررسی قرار می‌گیرد.
4. اقدامات (Actions plan): اقدام و تصمیم‌گیری در مرحله چهارم پژوهش حاضر بررسی
می‌شود. این اقدامات، به وضع موجود برای تحقق آینده مطلوب کمک می‌کند. ر.ک: ریچارد
اسلاتر، و همکاران، نو اندیشی برای هزاره نوین، پیشین، ص 140.

62. ادوارد کورنیش، *آینده پژوهی پیشرفته*، نگاهی ژرف به اصول، مبانی و روش‌های
آینده پژوهی، پیشین، ص 120.

63. ادوارد کورنیش، *آینده پژوهی پیشرفته*، نگاهی ژرف به اصول، مبانی و روش‌های
آینده پژوهی، پیشین، ص 131.

64. Jerome Glenn, (1998) Interoduction to the futures research
Methpdology series ,[http://: www.tufurovenezol com](http://www.tufurovenezol.com).

65. روح‌الله قدیری، *بررسی و شناخت روش‌هایی مطالعه آینده*، پیشین، ص 80.

66. BHAG: big hairy audacious goal.

67. ماتس لیندگرن و هانس باند هولد، طراحی سناریو؛ پیوند بین آینده و راهبرد، پیشین،
ص 91.

68. عقیل ملکی فر و نادر شریعتمداری، چشم انداز رهبران آن را می‌سازد، پیشین، ص 92.

69. سعید خزایی، شکل بخشیدن به فردای مطلوب و هنر خلق چشم انداز، پیشین، ص

54، و نیز ر.ک: فرزانه میرشاه ولایتی، راهنمای عملی تدوین چشم انداز، پیشین، ص 62.

70. ماتس لیندگرن و هانس باند هولد، *طراحی سناریو؛ پیوند بین آینده و راهبرد*، پیشین،
ص 107.

71. عقیل ملکی فر، و نادر شریعتمداری، *چشم انداز رهبران آن را می‌سازد*، پیشین،
ص 105 - 106.

72. همان، ص 92.

73. همان، ص 93.

